سیدعمادالدین خضرائی

پل‌بند شادُرْوان

و دشواریهای مطالعات تاریخی شوشتر[1]

مطالعات تاریخ معماری با دشواریهای فراوانی روبه‌روست. برخی از این دشواریها ناشی از تسلط باورهای رایجی است که صحت آنها آزموده نشده است. در این مقاله، نگارنده می‌کوشد با بررسی نمونهٔ پل‌بند شادروان شوشتر، دشواری مطالعات تاریخی شوشتر را بازنماید. سپس با بررسی فرضیه‌های موجود دربارهٔ چگونگی بنیاد کردن این اثر، آسیب‌پذیری برخی فرضیه‌های موجود را بازنماید. در ادامه، نگارنده با بررسی برخی شواهد از منابع مکتوب و مدد جستن از معنای نام اثر و بررسی شواهد موجود، فرضیه‌ای تازه دربارهٔ ماهیت شادروان مطرح می‌کند، تا در آینده آزموده شود.

شناخت دقیق آثار تاریخی معماری و شهرسازی با دشواریها و موانع متعددی روبه‌روست. از جملهٔ موانع، باورهای نادرست رایج دربارهٔ آثار تاریخی است. دشواری آن‌گاه افزون می‌شود که این‌گونه باورها را محققان تاریخ معماری و شهرسازی رواج دهند. شهر تاریخی شوشتر و شادُرْوانِ مشهور آن نمونهٔ بارز این‌گونه مشکلات است. در این نوشتار، ضمن بررسی این دشواریها، در مورد شادروان این شهر خواهیم کوشید با طرح فرضیاتی جدیدْ حوزه‌های ناشناختهٔ این موضوع را معرفی کنیم. با این کار، گذشته از آنکه دامنه و موضوعات مطالعات آینده در این موضوع روشن خواهد شد، سستی و خللهای نظریه‌های کنونی در این باره آشکار می‌گردد.

۱. دشواریهای عمومی

در مطالعهٔ برخی از آثار بسیار کهن، با دو دشواری مهم روبه‌روییم:

نخست، دوره‌های متعدد تخریب و بازسازی: آثار بسیار کهن‌سال معمولاً به علت عوامل طبیعی و انسانی دچار تغییر و تحول و نقصان و ترمیم شده‌اند و آنچه به دست ما رسیده وضع متأخر آنهاست.

دوم، کمبود اطلاعات مکتوب و مستند: دربارهٔ اندکی از آثار بسیار کهن سند مکتوب، در قالب کتیبه و لوح و کتاب تاریخی، به دست ما رسیده است. برخی از کتابهای تاریخی نیز آمیخته به افسانه است.

حلقهٔ آبی شوشتر، که در برخی از منابع آن را دومین شهر ساختهٔ انسان شمرده‌اند،[2] نمونهٔ بارز این دشواریهاست.

۲. دشواریهای خاص شادُرْوان شوشتر

شادروان شوشتر ویژگیهایی دارد که مطالعهٔ آن را دشوار می‌کند. در اینجا از مهم‌ترین آنها یاد می‌کنیم.

۲-۱. ویژگیهای کالبدی

این‌گونه بناهای آبی ماهیتاً آثاری پیچیده‌اند و اطلاعات ما دربارهٔ آنها بسیار اندک است. حلقهٔ آبی شوشتر در گسترهٔ افقی از بخشهایی در طول یکدیگر تشکیل شده است که مجموعاً عرض شَطیط (شعبهٔ اصلی کارون) را می‌پیماید و شکلی خاص و عجیب دارد. در مقطع عمودی نیز شکلی

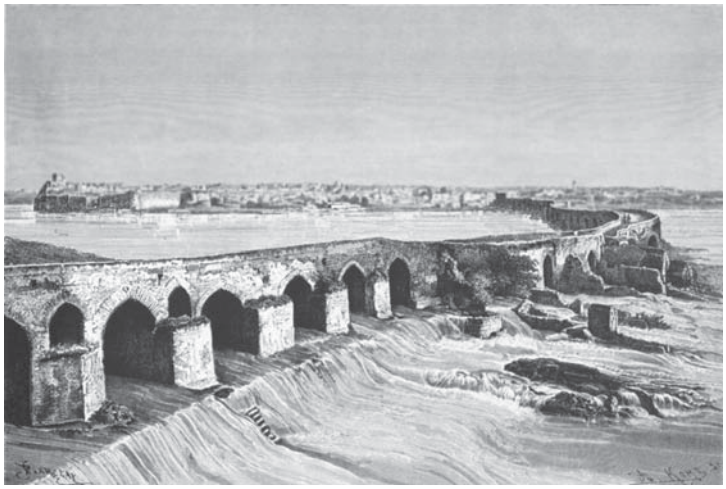

ت۱. (راست، بالا) گراوور مادام ژان دیولافوئا از وضع پل‌بند شادروان در دورهٔ قاجاریه

ت۲. (چپ) وضع پل‌بند شادروان در دههٔ ۱۳۵۰ش

ت۳. (راست، پایین) وضع پل‌بند شادروان در دههٔ ۱۳۸۰ش

شگفت دارد و از پی و بند و دیگر بخشهای ناشناخته تشکیل شده است.

۲-۲. موقعیت

موقعیت شادروان نیز پیچیدگیهایی دارد که شناخت آن را دشوار می‌کند؛ از جمله:

ـ استقرار در رودخانهٔ کارون و ناممکن بودن دسترس به بستر و شالودهٔ اثر برای مطالعات لایه‌نگاری و یافتن آثار اولیهٔ ساخت‌وساز و طرز شکل‌گیری شالوده؛

ـ تحولات دائمی بستر اثر، اولاً به علت ماهیت بستر رودخانه که دائماً در حال تغییر و تحول است؛ ثانیاً به علت مداخلات انسان در بستر رودخانه و اثر؛

ـ بازسازیهای متعدد: بر اساس شواهد، به علت عوامل طبیعی، نظیر طغیانهای کارون یا بعضاً دخالت عوامل انسانی، شادروان چندین دورهٔ تخریب و بازسازی را پشت سر گذاشته است. به همین سبب، بیشتر آثار قابل رؤیت اثر متعلق به دوره‌های آل‌بویه و صفویان و قاجاریان است[۳] (ت۱-۳).

۲-۳. روایتهای گوناگون و نامتقن

به سبب در دست نبودن اسناد و شواهد متقن دربارهٔ تاریخ ساختن شادروان، روایات و افسانه‌های گوناگونی در مورد چگونگی تکوین اثر نقل شده است که در ابواب بعدی مقاله مشهورترین آنها را بررسی خواهیم کرد.

۲-۴. دشواری بهره‌گیری از آثار مکتوب قدما

دیگر معضل در راه شناخت این اثر تاریخی مشکلِ عامِ بی‌اطلاعی ما از اصول و اهداف تاریخ‌نگاری در نزدِ نویسندگان متقدم است، که به ناآشنایی روزافزون با زبان و بیان و معنای نوشته‌های ایشان انجامیده و گاه راه فهم درست متون را مسدود کرده است.

۳. بحث در چگونگی بنیاد کردن شادروان

۳-۱. بحث در فرضیهٔ مشهور

فرضیهٔ مشهوری که دربارهٔ احداث شادروان در بیشتر منابع نقل شده احداث شادروان شوشتر در زمان شاپور ساسانی به دست والرین، قیصر روم، و اسیران رومی است.[۴] در این فرضیه می‌توان تردیدهایی کرد:

تردید اول: منطقهٔ شوشتر در حوزهٔ تمدن عیلامی بوده است. سابقهٔ تمدن عیلامی در این منطقه موجب شده است که برخی از باستان‌شناسان بر اساس شواهد به‌دست‌آمده معتقد شوند که اَوان، پایتخت مشهور عیلام، همان شوشتر است.[۵] همچنین فرضهایی بر انطباق شوشتر با هیدالو (ایدالو)[۶] یا آدامدن[۷]، شهرهای مشهور عیلام، مطرح شده است. این شواهد نشان اهمیت محدودهٔ شوشتر در تمدن عیلامی است. اگر چنین باشد و شوشتر بر یکی از شهرهای مهم عیلام منطبق باشد، آن‌گاه این پرسش پیش می‌آید که آیا عیلامیان، با سابقهٔ سکونت طولانی‌شان در این سرزمین، برای عبور از کارون در این حدود تدبیری نیندیشیده بودند؛ و آیا از زمان عیلامیان تا عصر شاپور ساسانی، هیچ امکانی برای عبور از عرض کارون در این نقطهٔ مهم وجود نداشته است.

تردید دوم: شوشتر بر سر راه شاهی میان دو

پایتخت هخامنشیان، شوش و پارسه، واقع بوده است. از سوی دیگر، شوشتر از نخستین سرزمینهای نجد ایران است که نیاکان هخامنشیان پس از عبور از کوههای زاگرس به آن قدم گذاشتند و احتمالاً شوشتر برای ایشان اهمیت نمادین و اسطوره‌ای داشته است. آیا هخامنشیان برای عبور از این گذرگاه مهمِ واقع بر سر راه شاهی بین دو پایتختشان تدبیری نکرده بودند؟

همچنین در برخی متون آورده‌اند که نهر داریون در شوشتر را دارا ساخت؛ و دارا به نظر عده‌ای از مورخان همان داریوش هخامنشی است.[۸] با پذیرش این فرض، آیا آب‌گیری نهر داریون منوط به احداث تأسیساتی برای مهار کردن آب و بالا آوردن سطح آن نبوده است.

تردید سوم: پروکوپیوس،[(۱)] در *جنگهای ایران و روم*، نوشته است که اسکندر برای ورود به نجد ایران در جایی در حوالی شوشتر از رودخانهٔ کارون گذشت.[۹] آیا در آن زمان پلی بر روی کارون بوده است؟ اگر چنین بوده است، آیا نمی‌توان آن را با شادروان مرتبط دانست؟

تردید چهارم: در میان متونی هم که در آنها احداث شادروان شوشتر را به دورهٔ ساسانیان نسبت داده‌اند اختلافی هست: در برخی از آنها احداث شادروان را به شاپور اول نسبت داده‌اند و در برخی دیگر به شاپور ذوالاکتاف. مثلاً در *فارس‌نامهٔ* ابن بلخی آمده است:

> شاپوربن اردشیر [...] به روایتی گفته‌اند که شادروان شوشتر او بست؛ اما درست‌تر آن است کی شاپور ذوالاکتاف بست.[۱۰]

پس حتی در مورد مشهورترین روایت در نزد قدما نیز تردیدهایی بوده است.

تردید پنجم: فراوانی آثار و بناهای آبی برجامانده از دورهٔ ساسانیان نشان توانایی ایشان در مدیریت آب است.[۱۱] ساخت بسیاری از این آثار را به اسیران رومی نسبت داده‌اند.[۱۲] اما با توجه به وسعت سرزمین ایران و وضع متفاوت اقلیمی و جغرافیایی‌اش با روم، چگونه می‌توان پذیرفت که رومیان درمدت پنج تا هفت سال[۱۳] موفق شده باشند تأسیسات آبی گستردهٔ شادروان شوشتر را در سرزمینی ناشناخته بنا کنند؟

۳-۲. بحث در ماهیت شادروان

در بیشتر متون تاریخی، شادروان شوشتر را از عجایب عالم شمرده‌اند. دمشقی در *نخبة الدهر فی عجایب البر و البحر* آورده است:

> از دیگر بناهای شگفت‌انگیز، شادروان تستر است که شاپور ذوالاکتاف آن را با تخته‌سنگها و ستونهایی آهنین و با لایه‌هایی از سرب بنا نهاد و آن را بند و سدّی گردانید تا آب رود دجیل در پشت آن بالا بیاید و لبریز گردد و به شهر وارد شود. طول این شادروان یک میل است.[۱۴]

در اینجا، استفاده از عبارت «سدّ و بندی گردانید» شایان تأمل است. گویا این عبارت بدین معناست که شاپور از شادروان به منزلهٔ سدّ و بند استفاده کرد؛ یعنی یکی از کاربردهای شادروان سدّ و بند بوده است. از طرفی، گفته است که طول آن ۱ میل، یعنی حدود ۱۶۰۰ متر است؛ در حالی که طول آثار برجامانده از آن از ۴۰۰ متر تجاوز نمی‌کند.

(1) Procopius

یاقوت حموی در *معجم البلدان* در وصف شادروان آورده است:

> و این شادروان سدی شگفت‌انگیز است به درازای یک میل، با سنگ خارا و ستونهای آهنین با ملاطی از سرب ساخته شده است. و گویند در جهان ساختمانی استوارتر از آن نباشد.[۱۵]

ذکر استحکام و شگفت‌انگیزی و طول شادروان در این کلام شایان توجه است.

همچنین است سخن اصطخری در *مسالک و ممالک*:

> و از عجایب خوزستان شاذروان شاپور است به شوشتر. گویند کی یک میل درازای شادروان است. به گچ و سنگ ساخته‌اند تا آب بر شوشتر افتد.[۱۶]

در *سفرنامهٔ ابودلف* نیز آمده است:

> بر روی رود بزرگ وادی‌الاعظم سد زیبا و عجیب شادروان برپا می‌باشد. این سد بسیار محکم و با سنگهای قالبی و بسیار هنرمندانه ساخته شده است و آبها را جمع و به رودخانه‌های متعدد تقسیم می‌کند.[۱۷]

یعقوبی نیز گفته است:

> رئیس رومیان پل روی رودخانهٔ شوشتر را، که هزار ذراع عرض دارد، برای شاپور مهندسی کرد.[۱۸]

عبارت «مهندسی کرد» (در متن عربی: «و هَندَسَ له») در این قول را باید به‌دقت بررسی کرد. شاید از این راه

ت۴. گمان می‌رود آثار گوشهٔ پایین سمت راست تصویر بقایای سنگ‌فرشی باشد که در متون تاریخی از آن یاد شده است. البته این آثار تنها در سطح محدودی مشاهده شده است

بتوان نقش احتمالی رومیان در ساختن این تأسیسات را روشن کرد.

لسترنج[۲] در *جغرافیای تاریخی سرزمینهای خلافت شرقی* می‌گوید:

(2) Guy l'Estrange

> کتابهای قدیم طول شادروان را نزدیک به یک میل نوشته‌اند [...]. در زمان حاضر، روی رودخانه پل کهنه‌ای دارای چندین طاق کوچک قرار دارد که طول آن متجاوز از یک چهارم میل است [...]؛ ولی به نظر نمی‌رسد که این پل در قرون وسطا موجود بوده است.[۱۹]

آیا به‌راستی شادروانِ افسانه‌ای همان پل‌بندی است که امروزه می‌بینیم، یا مجموعه تأسیسات وسیعی بوده که از آن اطلاع دقیقی نداریم؟

۳-۳. بحث در وجه تسمیهٔ شادروان

در جستجوی چیستی شادروان، شاید بررسی لغوی «شادروان» به کار آید. واژهٔ شادروان در فارسی میانه (پهلوی) به صورتهای «شادروان» و «شاذروان» و «شاتوروان» ضبط شده است. متأسفانه اطلاعات ما دربارهٔ ریشهٔ این واژه بسیار اندک است.[۲۰] بنونیست[۳] معتقد است که این واژه ریشهٔ پارتی دارد؛[۲۱] چنان‌که در منظومهٔ *ویس و رامین*،[۲۲] که به اعتقاد مینورسکی ملهَم از اثری پارتی است، دیده می‌شود.[۲۳] معانی متعددی برای شادروان ذکر کرده‌اند؛ مثلاً در *لغت‌نامهٔ* دهخدا در ذیل «شادروان» آمده است: پردهٔ بزرگی را گویند مانند شامیانه و سراپرده که پیش در خانه و ایوان سلاطین و ملوک بکشند؛ خیمه و سراپرده؛ قسمی از خانه‌های متحرک ترکمانان که به زینتهای گوناگون مزین باشد؛ بساط بزرگ؛ جام‌خانه؛ زیر کنگرهٔ عمارت بندگه عالی؛ سپهر طارم؛ نام لحنی از سی لحن باربد (شادُروان مروارید)؛ فرش؛ پایه و اساسی که خانه کعبه را از سه طرف احاطه می‌کند؛ بنیاد اصل و اساس؛ سد، بند، ورغ؛ جدول و راهرو آب؛ راه و لولهٔ آب؛ اساسی محکم در حوالی پلها؛ هاله و طوقه و خرمن؛ تخت پادشاهان.

(3) Benveniste

خوارزمی در *مفاتیح العلوم* ذیل اصطلاحات دیوان آب آورده است:«شادروان: پایه‌هایی است که در اطراف پل و امثال آن برای استحکام پی‌ریزی می‌شود.»[۲۴]

تنوع معنای این واژه به قدری است که نظر برخی محققان چون بنونیست و بازورث را جلب کرده است.

فرضیه‌هایی در مورد وجه تسمیهٔ شادروان شوشتر

در اینجا چند فرضیه دربارهٔ معنای شادروان شوشتر، در حد بررسی احتمالات و امکانات معنایی، مطرح می‌شود.

گزینهٔ نخست: اگر شادروان را به معنای خیمه و سراپرده بزرگان فرض کنیم؛ شاید وجه تسمیهٔ شادروان شوشتر مجاورتش با مکانی شادروانی باشد.[۲۵]

گزینهٔ دوم: یکی از معانی شادروان سنگ‌فرش منقّش است؛ مثلاً ابن بلخی شادروان را به معنای بسترسازی پیش و پسِ بند به کار برده است:

> پس شادروانی عظیم کرد از سنگ و صهروج در پیش و پس بند و آنگه این بند برآورد از معجون صهروج و ریگ ریزه.[۲۶]

منظور از این زیرسازی همان تمهیدی است که امروزه در سدسازی آن را پردهٔ آب‌بند می‌نامند. در این صورت، در تسمیهٔ شادروان شوشتر اطلاق جزء به کل شده است (ت۴).

گزینهٔ سوم: برخی مورخان بر آن‌اند که سنگ‌فرشی وسیع در بالادست شادروان شوشتر بوده است و برخی از ایشان محدودهٔ آن را تا حدود بند میزان دانسته‌اند. به نظر گروه اخیر، علت ایجاد این سنگ‌فرش بالا آوردن سطح آب شطیط برای آب‌گیری نهر داریون بوده است.[۲۷] با این فرض، علت نامیدن شادروان همین سنگ‌فرش بوده است.

گزینهٔ چهارم: برخی صاحب‌نظران بر آن‌اند که شادروان گونه‌ای بند است. کورس در کتاب *آب و فن آبیاری* می‌گوید:

> شادروان سکویی است به شکل هرم ناقص که در پهنای رود ساخته می‌شد، به گونه‌ای که برِ بزرگ آن بر

کف رود افتاده باشد؛ برای اینکه تراز آب را در بستر رودخانه بالا آورند و آب را از راه جویهایی که در بالای شادروان ساخته بودند هدایت می‌کردند. شادروانها را در جاهایی می‌ساختند که جنس خاک بستر رود سست بوده و فشار آب پیوسته خاک را می‌کند و بر گودی بستر می‌افزود. از این رو، در دو کنارهٔ رود در هر سوی شادروان خرندهایی نیز می‌ساختند که به شادروان پیوسته بود، تا فشار آب خاک پهلوی شادروان را نشوید و بستر رود را جابه‌جا نکند.[۲۸]

با این فرض، می‌توان شادروان را از نظر دستوری «اسم نوع» دانست که بر گونه‌ای بنای آبی دلالت می‌کند. در این صورت، ترکیب «پل‌بند شادروان» متضمن حشو است.

گزینهٔ پنجم: واژهٔ شادروان شکل دگرگون‌شدهٔ یک واژهٔ کهن عیلامی است که در اصل معنایی غیر از معناهای قاموسی داشته است. ریشه‌شناسی واژگان می‌تواند نقش مهمی در تقویت این فرض داشته باشد، که جای آن در این زمینه خالی است.

گزینهٔ ششم: در ترجمهٔ بلعمی از *تاریخ طبری* آمده است:

شاپور [...] این مَلك روم را که بگرفته بود بفرمود که تا به روم کس کند تا رومیان بیایند، ایشان که بنا دانند کردن، و شادروان آن شهر بنا کنند. [...] شاپور ایشان را بفرمود که گرداگرد این شهر شادروان خواهم که بیفگنید که زمین شهر بر آن بوَد. زمین و تا روی زمین به سنگ و گچ و آجر راست کنید؛ پهنای شادروان هزار رَش و درازای او همچنان.[۲۹]

این عبارت، که صریح‌ترین و دقیق‌ترین شرح در منابع مکتوب دربارهٔ ساخت شادروان است، اطلاعات ارزشمندی دربارهٔ مکان (گرداگرد شهر)، ابعاد (هزار اَرَش در هزار ارش)، و جنس و مواد آن (سنگ و گچ و آجر) شادروان در اختیار ما قرار می‌دهد. تصویر طبری از شادروان با وضع امروزی آن بسیار تفاوت دارد. استفادهٔ او از ترکیب اضافی «شادروانِ این شهر» بر این دلالت می‌کند که شادروان عنصری شهری بوده و کاربرد عام داشته است (شادروان این شهر یا شادروان شهری دیگر). از سوی دیگر، اگر منظور از شادروان در این عبارت پل‌بند بود، می‌توانست صراحتاً بگوید پل‌بندِ شهر یا پلی برای شهر شوشتر. گویا شادروان تأسیساتی یگانه بوده و مانند پل تعدد نداشته است؛ زیرا اگر نظیر سایر پلها بود، می‌توانست بگوید پلِ درِ دزفول یا پل‌بندِ دروازهٔ دزفول یا حتی شادروانِ درِ دزفول و نظایر این. از سوی دیگر، از زبان شاپور می‌گوید: «گرداگرد این شهر شادروان خواهم که بیفگنید». از به کار بردن ترکیب «گرداگرد شهر» برای شادروان می‌توان استنباط کرد که شادروان شهر را در بر می‌گرفته یا از آن محافظت می‌کرده است.[۳۰] دیگر واژهٔ شایان تأمل «بیفگنید» است، به معنای «طرح کنید» یا «طراحی کنید»، که در ترکیب با «گرداگرد شهر»، وجه محیط بودن شادروان بر شهر را تقویت می‌کند. این نیز که ابعاد شادوران را هزار ارش در هزار ارش می‌داند بر سطح دلالت می‌کند؛ در صورتی که پل‌بند شادروان کنونی بیشتر خطی است. اگر هر ارش در حدود ۱۷۰س‌م باشد،[۳۱] ابعاد شادروان ۱۷۰۰ در ۱۷۰۰ متر می‌شود، که با ابعاد تأسیساتی محیط بر شهر بیشتر مطابقت می‌کند تا با آنچه امروزه شادروان شوشتر می‌خوانیم. پس می‌توان استنباط کرد که شادروان شوشتر گونه‌ای تأسیسات شهری بر گرداگرد شهر شوشتر بوده و آنچه امروز می‌بینیم جزئی باقی‌مانده از آن اثر است. از سخن طبری پیداست که شادروان به منزلهٔ تأسیسات شهری برای خوانندگان او شناخته بوده است.

گزینهٔ هفتم: با توجه به اینکه به پایه و ازارهٔ خانهٔ کعبه نیز که از سه طرف آن را احاطه می‌کند شادروان یا شاذروان می‌گویند، احتمال می‌رود که معنای احاطه از سه طرف در این واژه مندرج باشد؛ و این مؤید آن است که شادروان مجموعه تأسیساتی بوده که آب را بر سه جبههٔ شوشتر محیط می‌کرده است.

گزینهٔ هشتم: یکی از معانی‌ای که دهخدا برای شادروان آورده «هاله و طوقه و خرمن» است. «شادورد» نیز، که احتمال می‌رود با شادروان هم‌ریشه باشد، به معنی طوق و هاله است. در *تاریخ بیهق* آمده است: «چنان‌که شادورد به ماه محیط باشد خندقی سازند.»[۳۲] در این صورت، شادروان شوشتر مجموعهٔ آبی‌ای بوده که چون طوقه و هاله شهر شوشتر را فرامی‌گرفته و اثر امروزی پل‌بند آن شادروان بوده است.

گزینهٔ نهم: برخی از باستان‌شناسان اعتقاد دارند که پایتخت عیلامی اَوان باید جایی در حوالی شوشتر باشد.[۳۳] در این صورت، آیا نمی‌توان فرض کرد که شادروان در اصل «شادورد + اوان» بوده است؟

ت ۵. (بالا) عکس هوایی از وضع شادروان در دهۀ ۱۹۱۰. صورت نامنظم پل‌بند در بستر رودخانه دیده می‌شود

ت ۶. (پایین) عکس هوایی از وضع شادروان در اوایل دهۀ ۱۳۸۰ش. صورت نامنظم پل‌بند در بستر رودخانه دیده می‌شود

گزینۀ دهم: «وان» در فارسی میانه پسوندی به معنای محافظت و نگهداری است.[۳۴] اگر «وان» در شادروان پسوند باشد، باید دید جزء «شادر» به چه معنا بوده یا صورت تغییریافتۀ چه واژه‌ای بوده است. شاید شادروان معنایی نظیر نگهدارندۀ آب (بند) یا طوق آبیِ محافظ شهر داشته است.

گزینۀ یازدهم: واژۀ «شاد» از لحاظ ریشه‌شناسی واژۀ مبهمی است.[۳۵] عجیب‌تر کاربرد آن در نام مکانها، به ویژه در دورۀ ساسانیان است. جالب‌تر آنکه همۀ این مکانها نسبتی با آب دارند:

ـ شادشاپور:

شادشاپور [...] همانا آن شهری بوده است که در میان رودخانه‌های خررود و ابهررود می‌ساخته‌اند.[۳۶]

ـ شادبهمن: «کوره‌ای در کنار دجله»[۳۷]

ـ شادفیروز،[۳۸] شادقباد، شادکان یا شادگان، خسروشاد (خوسروشات)، ویسپ شادخسرو، شادفرخ خسرو (شات فرخو خوسرو).[۳۹]

شاید کشف نسبت واژۀ «شاد» یا «شات» در ترکیب شادروان یا شاتوروان و نسبت آن با نامهای مکان و آب بتواند تا حدودی ابهام واژۀ شادروان را بزداید.

گزینۀ دوازدهم: شاید شادروان مشترک لفظی‌ای امروزی باشد؛ یعنی شاید با چند واژۀ شادروان روبه‌رو باشیم، به این معنی که چند واژه با ریشه‌های متفاوت به دلایل تشابه آوایی دستخوش هم‌گرایی شده و صورتی واحد یافته باشند. در مورد شادروان شوشتر، شاید یکی از این چند واژۀ احتمالی علت موجدۀ نام‌گذاری بوده باشد و دیگری علت مُعدّۀ آن. نظیر این اتفاق را در موارد دیگری دیده‌ایم؛ مثلاً دشتی که شوشتر بر آن نهاده است «دشت میان‌آب»[۴۰] نام دارد. در تلفظ محلی آن را «دشت میان‌او» (*miyān-ow*) یا «دشت مین‌او» (*min-ow*) می‌خوانند (علت موجده، قرارگیری میان دو رود). برخی از محققان ــ مانند لسترنج ــ به دلیل حاصل‌خیزی و سرسبزی این محدوده و شباهت آوایی و معنایی، «دشت مین‌او» را «دشت مینو» ضبط کرده‌اند،[۴۱] که البته صحیح نیست؛ اما می‌توان این شباهت را، به دلیل حاصل‌خیزی و شباهت این دشت با مینو و بهشت، علت معدّه شمرد.

گزینۀ سیزدهم: صورت پهلوی شادروان «شاتوروان» ذکر شده است.[۴۲] آیا می‌توان ارتباطهای زیر را بامعنی دانست؟

«شاتو» (chateau) در فرانسوی، به معنای سرا، برگرفته از «شاستل» (chastle) در فرانسوی قرون وسطا، از واژۀ لاتینی «کاستلوم» (castellum) از ریشۀ لاتینی کاسا (casa) به معنای سرپناه و کلبه و چادر است؛ و یکی از معانی شادروان چادر و خیمه است.

«کاسا»ی لاتینی خود از ریشۀ سنسکریت اسکاد (skad)، و آن به معنای پوشاندن و فرش کردن است؛ و فرش یا سنگ‌فرش از معانی شادروان است.

«شاتو»ی فرانسوی به معنای کجاوه هم آمده است؛ و گفتیم که یکی از معانی شادروان خانۀ متحرک ترکمانان است.

ترکیب «شاتو دو» (chateau d'eau) نیز به معنای برج

ت۷، ۸، ۹. آثار بالادست شادروان و آثار واقع در محدودهٔ اژدر واقع در قسمت شمال‌غربی شادروان

آب است، که آن نیز با شادروان به معنای تأسیسات آبی مناسبت دارد.[۴۳]

۴. فرضیه‌ای تازه دربارهٔ شادروان

پس از ذکر فرضیه‌ها و بحث در آنها، شاید بتوان فرضیه‌ای جدید دربارهٔ ماهیت شادروان مطرح کرد.

موقعیت شوشتر و شادروان شوشتر برای هخامنشیان و آریاییان قطعاً معانی نمادین و اسطوره‌ای داشته است؛ چرا که نخستین جایی از نجد ایران بوده که آریاییان پس از عبور از زاگرس بدان گام نهادند.[۴۴] استقرار آن بر سر راه شاهی هخامنشیان نیز اهمیتی دوچندان به آن می‌بخشید. اینجا دروازهٔ نجد ایران ــ زادگاه امپراتوری بزرگ هخامنشی و بعدها امپراتوری ساسانی ــ بود. از سوی دیگر، این اثر در بستر زندگی حلقهٔ آبی شوشتر چنان واقع بوده که از تحولات هر دوره اثر پذیرفته و با تکمیل و تکامل شیوه‌های صناعتی تحول یافته و کامل شده است. یعنی شاید این اثر در ابتدا معبری ساده بوده و اندک‌اندک، به مرور زمان، به واسطهٔ اهمیت و نقش نمادین و کارکردی‌اش، به مجموعهٔ تأسیسات آبی وسیع و چندکارکردی تبدیل شده باشد (کارکردهایی نظیر مهار رودخانه، بالا آوردن سطح آب، ایجاد امکان عبور از عرض رودخانه، محیط کردن آب بر شهر و کارکرد دفاعی، بهره‌گیری از نیروی آب برای آسیابها)؛ و سپس به دلیل آسیبها و نقصانها به آنچه ما امروزه می‌بینیم تقلیل یافته است.

شاید آنچه ما امروزه از شادروان می‌بینیم حاصل تلفیق آثار برجامانده از آن اثر عظیم باشد که به دلیل بازسازیهای متعدد بعدی بدین شکل درآمده است. شکل افقی نامنظم در بستر رودخانه عجیب می‌نماید (ت۵ و ۶). تنها علتی که شاید بتوان برای توجیه این شکل فرض کرد سعی سازندگان در بهره‌گیری از بستر مناسب و مقاوم است. اما نتایج بررسیهای زمین‌شناسی[۴۵] نشان می‌دهد که جنس بستر در این محدوده همگون است؛ بنا بر این، چنین فرضی پذیرفته نیست. با توجه به مطلب ذکرشده، این فرض تقویت می‌شود که بازسازیهای بعدی شادروان بر روی پایه‌های برجامانده از اثر عظیم قبلی صورت گرفته است و انحنای عجیب شکل آن بدین سبب است. از طرفی، آثار بالادست شادروان و همچنین آثار واقع در

ت۱۰. محدودهٔ انتهایی قسمت شمالی پل‌بند که نشان وجود تأسیساتی دیگر است

محدودهٔ اژدر، که آثار آشکار تأسیساتی در سمت شمال‌غربی پل‌بند است (ت۷ و ۸ و ۹)، این فرض را تأیید می‌کند که شادروان شوشتر مجموعهٔ تأسیسات عظیم آبی‌ای بوده که با بالا آوردن سطح آب و آرام کردن آب خروشان کارون در این مقطع آن را به‌سان دریاچه‌ای حفاظتی بر گرد شهر محیط می‌کرده است و در ضمن شکوهی بی‌نظیر به دروازهٔ نجد ایران، خانهٔ شاهنشاهیهای بزرگ هخامنشی و ساسانی، می‌بخشیده است. این مجموعه تأسیسات ضمن نقش نمادین و ایجادِ امکان ورود به نجد ایران، آبیاری دشت میان‌آب را نیز میسر می‌کرده و تأسیسات جانبی آن نیز خدماتی دیگر عرضه می‌کرده است (ت۱۰). شاید این مجموعه در دروهٔ ساسانی به شکل نهایی خود درآمده باشد و در این زمان تأسیسات مهمی به آن افزوده باشند؛ و به همین سبب، بیشتر مورخان بنای آن را به شاپور ساسانی نسبت داده‌اند. برای اینکه به چند کارکردی بودن شادروان نیز اشاره‌ای کرده باشیم، فقره‌ای را از *احسن التقاسیم فی معرفة الاقالیم* دربارهٔ شادروان اهواز نقل می‌کنیم:

> بستر رودخانه نیز از پشت جزیره‌ای به اندازهٔ یک‌صد ارش به یک شاذروان که دیواره‌ای از سنگ ساخته شده است برمی‌خورد و بازگشته و دریاچه‌ای می‌شود با فواره‌های شگفت‌انگیز و به سه جویبار افتد که به آبادیها می‌رود و کشتزارها را سیراب می‌کند.[۴۶]

نباید فراموش کرد که طرح ذهنی فوق فقط فرضیه‌ای است که باید به محک تجربه آزموده شود.

نتیجه

آنچه در این نوشتار بیان شد در جهت نشان دادن دشواریهای فهم آثار تاریخی شوشتر بود و اینکه بهره‌گیری از میراث مکتوب تا چه اندازه می‌تواند ما را در پیش‌فرضهای رایج دچار تردید کند. برای رفع ابهام دربارهٔ پل‌بند شادروان می‌توان توصیه‌های زیر را ذکر کرد:

۱) در همهٔ فرضیه‌هایی که بنیاد و اساس محکمی ندارند تردید کنیم؛

۲) برای حل معمای شادروان شوشتر، اطلاعات بیشتری دربارهٔ واژهٔ «شادروان» و ریشهٔ آن به دست آوریم؛

۳) اطلاعات موجود در میراث مکتوب را جمع‌آوری کنیم، تا شاید به حدسهای دقیق‌تری دربارهٔ آن دست یابیم؛

۴) با بررسیهای باستان‌شناسی، شواهدی برای تأیید یا رد فرضیات به دست آوریم؛

۵) کالبد اثر و اجزای آن را به همان صورتی که هست، با حداقل تصرف در آن، حفظ کنیم. مهم‌تر از آن حفظ محیط طبیعی و بستر شادروان به صورت طبیعی و سعی در شناسایی آن (حفظ، کاوش و شناسایی) است. کوچکترین تغییر در کالبد اثر یا محیط آن شاید شاهدی مهم در فهم و معرفی اثر را از بین ببرد.□

کتاب‌نامه

ابن‌بلخی. *فارسنامه*، تصحیح گای لسترنج و رینولد نیکلسون، تهران، انتشارات دنیای کتاب، ۱۳۶۳.

ابودلف. *سفرنامهٔ ابودلف در ایران*، با تعلیقات و تصحیحات مینورسکی، ترجمهٔ ابولفضل طباطبایی، تهران، زوار، ۱۳۵۴.

احمد بن ابی‌یعقوب. *تاریخ یعقوبی*، ترجمهٔ محمد ابراهیم آیتی، تهران، علمی و فرهنگی، ۱۳۶۲، ج ۱.

اصطخری، ابواسحق ابراهیم. *مسالک و ممالک*، به اهتمام ایرج افشار، تهران، علمی و فرهنگی، ۱۳۶۸.

پروکوپیوس. *جنگهای ایران و روم*، ترجمهٔ محمد سعیدی، تهران، علمی و فرهنگی، ۱۳۸۲.

توصیه‌نامهٔ حراست از نقش امروزی محدوده‌های تاریخی، نایروبی، ۱۹۷۶.

جزایری، سید عبدالله. *تذکرهٔ شوشتر تهران*، صدر، ۱۳۴۸.

حسن‌دوست، محمد. گفتگوی شخصی با نگارنده، تهران، ۱۳۸۵.

خوارزمی، ابوعبدالله محمد ابن یوسف کاتب. *مفاتیح العلوم*، ترجمهٔ حسین خدیوجم، تهران، علمی و فرهنگی، ۱۳۸۳.

دمشقی، شمس‌الدین محمود ابن ابی‌طالب، *نخبة الدهر فی عجایب البر و البحر*، ترجمهٔ حمید طبیبیان، تهران، اساطیر، ۱۳۸۲.

طبری، محمد بن جریر. *تاریخنامهٔ طبری، گردانیدهٔ منسوب به بلعمی*، تصحیح و تحشیه محمد روشن، تهران، سروش، ۱۳۸۰، ج ۱.

کورس، غلامرضا و دیگران. *آب و فن آبیاری در ایران باستان*، تهران، ۲۵۳۵.

گیرشمن، رمن. *ایران از آغاز تا اسلام*، ترجمهٔ محمد معین، انتشارات معین، ۱۳۸۳.

لسترنج، گای. *جغرافیای تاریخی سرزمینهای خلافت شرقی*، ترجمهٔ محمود عرفان، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، ۱۳۳۷.

مجیدزاده، یوسف. *تاریخ و تمدن عیلام*، تهران، نشر دانشگاهی، ۱۳۷۰.

محمدی ملایری، محمد. *تاریخ و فرهنگ ایران در دوران انتقال از عصر ساسانی به عصر اسلامی*، تهران، انتشارات توس، ۱۳۷۵، ج ۲.

مستوفی، حمدالله. *نزهت‌القلوب*، تصحیح محمد دبیر سیاقی، قزوین، حدیث امروز، ۱۳۸۱.

مقدسی، ابوعبدالله محمد بن احمد. *احسن التقاسیم فی معرفة الاقالیم*، ترجمهٔ علینقی منزوی، تهران، کومش؛ ۱۳۸۵.

مهندسین مشاور لار. *مطالعات مرحلهٔ اول طرح بازسازی و مرمت سازه‌های تاریخی آبی شوشتر، جلد هفتم: شناسایی و حفاظت میراث معماری بناهای تاریخی آبی شوشتر*، ۱۳۸۳.

ـــــــــ. *مطالعات مرحلهٔ اول طرح بازسازی و مرمت سازه‌های تاریخی آبی شوشتر، جلد چهارم: زمین‌شناسی عمومی و مهندسی*، ۱۳۸۳.

نفیسی، سعید. *تاریخ تمدن ایران ساسانی*، تهران، اساطیر، ۱۳۸۴.

هینتس، والتر. *دنیای گمشدهٔ عیلام*، ترجمهٔ فیروز فیروزنیا، تهران، علمی و فرهنگی، ۱۳۸۳.

یاقوت حموی. *معجم‌البلدان*، ترجمهٔ علینقی منزوی، تهران، سازمان میراث فرهنگی، ۱۳۸۰، ج ۲و۳.

Benveniste. "Le sens du mot person "shadurvan", Melanges d'Orientalisme offerts a Henri Massé, 1963.

Bosworth. "Abu Abdallah al-khawarazmi on The Technical Terms of The Secretary's Art", in: *Journal of the Economic and Social History of Orient*, XII ,1969, pp. 155-156.

پی‌نوشتها:

۱. از معلم و دوست بزرگوارم، دکتر محمدرضا رحیم‌زاده، که امکان آشنایی مرا با شوشتر و این حوزهٔ مطالعات فراهم کرد، سپاس‌گزاری می‌کنم. همچنین از سرکار خانم دکتر ژاله آموزگار و آقای دکتر محمد حسن‌دوست به سبب راهنماییهای ارزنده‌شان سپاس‌گزارم.

۲. سیدعبدالله جزایری، *تذکرهٔ شوشتر*، ص ۱–۲.

۳. بنا بر منابع تاریخی، در دورهٔ آل بویه تأسیسات آبی خوزستان و فارس ترمیم شد. همچنین به بازسازی شادروان در دره‌های صفویه و قاجاریه تصریح شده است. از همین‌جا می‌توان حدس زد که بیشتر آثار فعلی شادروان شوشتر متعلق به سه دورهٔ ذکر شده است.

۴. این قول در اکثر متون تاریخی آمده است، که در ادامه نام برخی از آنها ذکر می‌شود.

۵. یوسف مجیدزاده، *تاریخ و تمدن عیلام*، ص ۶.

۶. رمن گیرشمن، *ایران از آغاز تا اسلام*، ص ۱۴۲.

۷. والتر هینتس، *دنیای گمشدهٔ عیلام*، ۱۳۸۳.

۸. مهندسین مشاور لار، *مطالعات مرحلهٔ اول طرح بازسازی و مرمت سازه‌های تاریخی آبی شوشتر، جلد هفتم: شناسایی و حفاظت میراث معماری بناهای تاریخی آبی شوشتر*، ص ۱۲۴.

۹. پروکوپیوس، *جنگهای ایران و روم*.

۱۰. ابن‌بلخی، *فارسنامه*، ص ۶۳. دمشقی و حمدالله مستوفی نیز با او هم‌نظرند.

۱۱. برای مطالعهٔ بیشتر، نک: محمد محمدی ملایری، *تاریخ و فرهنگ ایران در دوران انتقال از عصر ساسانی به عصر اسلامی*، ج ۲.

۱۲. مثلاً ساخت بناهای آبی دزفول (پل دزفول) و همچنین تعدادی از بناهای آبی فارس را به رومیان نسبت می‌دهند.

۱۳. گای لسترنج، *جغرافیای تاریخی سرزمینهای خلافت شرقی*، ص ۲۵۳.

۱۴. دمشقی، *نخبة الدهر فی عجایب البر و البحر*، ص ۵۷.

۱۵. یاقوت حموی، *معجم البلدان*، ۱۳۸۰، ج ۲، بخش ۲، ص ۷۳۰–۷۳۱. اصل عربی عبارت چنین است: «بخوزستان أنهار کثیرة وأعظمها نهر تُستَر وهو الذی بَنی علیه سابور الملك شاذروان بباب تستَر حتی ارتفع ماؤه إلی المدینة لأن تُستر علی مکان مرتفع من الأرض وهذا الشاذروان من عجائب الأبنیة یکون طوله نحو المیل مبنی بالحجارة المحکمة والصخر وأعمدة الحدید وبلاطه بالرصاص وقیل إنه لیس فی الدنیا بناءٌ أحکم منه».

۱۶. اصطخری، *مسالک و ممالک*، ص ۹۰.

۱۷. ابودلف، *سفرنامهٔ ابودلف در ایران*، ص ۸۹.

۱۸. احمد بن ابی‌یعقوب، *تاریخ یعقوبی*، ج ۱، ص ۱۹۵. اصل عربی عبارت چنین است: «وملك سابور بن أردشیر، فغزا بلاد الروم، و فتح منها عدة بلدان، و أسر خلقا من الروم، فبنی مدینة جندیسابور، وأسکنها سبی الروم، و هندس له رئیس الروم القنطرة التی علی نهر تستر، وعرضه ألف ذراع».

۱۹. گای لسترنج، همان.

۲۰. حسن‌دوست، (زبان‌شناس و مؤلف *فرهنگ ریشه‌شناختی زبان فارسی*)، گفتگوی شخصی با نگارنده.

21. Benveniste," Le sens du mot person 'shadurvan'".

۲۲. «ز شادروان به خاک اندر فکندش/ زدستش بستد آن هندی پرندش» ــ فخرالدین اسعد گرگانی، *منظومهٔ ویس و رامین*.

23. Bosworth, "Abu Abdallah al-khawarazmi on The Technical Terms of The Secretary's Art", pp. 155-156.

۲۴. خوارزمی، *مفاتیح العلوم*، ص ۷۰. اصل عربی عبارت چنین است: «الشاذروان: أساس یوثق حوالی القناطر ونحوها».

۲۵. گزینه‌های اول تا پنجم بر مبنای مطالعات گزارش *جلد هفتم: شناسایی و حفاظت میراث معماری بناهای تاریخی آبی شوشتر*، مهندسین مشاور لار ذکر شده است.

۲۶. ابن بلخی، همان، ص ۱۵۱.

۲۷. مهندسین مشاور لار، همان، ص ۱۰۴.

۲۸. غلامرضا کورس و دیگران، *آب و فن آبیاری در ایران باستان*، ص ۲۸۰.

۲۹. طبری، *تاریخنامهٔ طبری، گردانیدهٔ منسوب به بلعمی*، ج ۱، ص ۶۰۹. در متن عربی *تاریخ طبری* (*تاریخ الرسل و الملوک*) ذکر این واقعه چنین آمده است: «وذکر أنه أخذ الریانوس ببناء شاذراون تستر، علی أن یجعل عرضه ألف ذراع، فبناه الرومی بقوم أشخصهم إلیه من الروم، وحکّم سابور فی فکاکه بعد فراغه من الشاذروان. فقیل إنه أخذ

منه أموالاً عظيمة، وأطلقه بعد أن جدع أنفه؛ وقيل إنه قتله».

۳۰. این مورد با گزینهٔ دهم نیز همخوانی دارد.

۳۱. برای ارش دو اندازه، یکی در حدود ۵۰س‌م و دیگری در حدود ۱۷۰س‌م، ذکر شده است. با توجه به اینکه در بیشتر متون، بُعد شادروان هزار ذراع آمده و به گرداگر شهر اشاره شده، به نظر می‌رسد که هر ارش را باید در حدود ۱۷۰س‌م محاسبه کرد.

۳۲. *لغتنامهٔ* دهخدا، ذیل «شادورد».

۳۳. مجیدزاده، همان.

۳۴. حسن‌دوست، همان.

۳۵. همان.

۳۶. حمدالله مستوفی، *نزهت القلوب*، ص۹۹.

۳۷. یاقوت حموی، همان، ج۳.

۳۸. ابن‌بلخی، همان، ص۸۳؛ حمدالله مستوفی، همان، ص۱۳۰.

۳۹. سعید نفیسی، *تاریخ تمدن ایران ساسانی*، ص۳۷۳.

۴۰. به علت واقع شدن در بین دو رود شطیط و گرگر

۴۱. گای لسترنج، همان، ص۲۵۴.

۴۲. *لغتنامهٔ* دهخدا

۴۳. ذکر این ارتباطها صرفاً تلاشی است برای افزودن فرضیه‌ای دیگر به فرضیه‌های موجود؛ وگرنه نگارنده به علت ناآشنایی با زبانهای باستانی و زبان‌شناسی، صلاحیت آن را ندارد که در مورد میزان صحت این فرضیه اظهار نظر کند.

۴۴. رمن گیرشمن، همان، ص ۸۹.

۴۵. مهندسین مشاور لار، همان، *جلد چهارم: زمین‌شناسی عمومی و مهندسی*،۱۳۸۳.

۴۶. مقدسی، *احسن التقاسیم فی معرفة الاقالیم*، ص۶۱۱.